آرش سیگارچی

شکنجه تعریف می شود؟....

آذرماه سال گذشته در حالیکه هنوز به سفر مهدی کروبی ومتعاقب آن بازداشت حسین لقمانیان دو ماه مانده بود درست‌روزی که محمد دادفر به زندان محکوم شد، مجلس شورای اسلامی، شور اول طرح قانون منع شکنجه را به تصویب رساند.

پس از آن در چند ماه باقی مانده این قانون به دو کمیسیون «قضایی و حقوقی» و «امنیت ملی و سیاست خارجی» ارجاع شد. این بار نمایندگان مجلس در اقدامی مورد توجه سعی کرده‌اند تمام راه حلهای احتمالی را برای جلوگیری از رد این قانون توسط شورای نگهبان به کار ببندند. چندی پیش وقتی مجلس طرح هیات منصفه را تصویب کرد شورای نگهبان باطرح بیش از ده ایراد که عمدتا مبنای خلاف شرع بودن داشت، این طرح را رد کردند. هرچند آن زمان کمیسیون امنیت ملی وسیاست خارجی مجلس برای «تامین حقوق معوقه‌ی مردم»!!این طرح را با اصلاح ایرادات شورا ارجاع داد اما این اقدام اخیر نمایندگان در مورد طرح قانون منع شکنجه قابل توجه است.

روسای دو کمیسیون «امنیت ملی و سیاست خارجی» و «قضایی و حقوقی» مجلس در نامه‌هایی جداگانه خطاب به دوتن از مراجع نظر آنان را از منظر شرح در مورد این طرح جویاشدند ...

یکسال از انقلاب گذشته بود و اعضای خبرگان قانون اساسی در حالی جلسه عصر خود را آغاز می کردند که اکثریت آنان تاچند سال قبل طعم شکنجه را در زندانهای شاه چشیده بودند.با این همه اصل سی و هشتم قانون اساسی تنها سی و پنج دقیقه وقت آنان را گرفت: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار ویا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار باسوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی مجازنیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتباراست.

متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.»

با اینکه در دو دهه‌ی پس از تصویب این اصل قانون اساسی کوشش‌هایی برای تعریف و تفسیر آن شد اما عملا جدی‌ترین اقدام را در این مورد همین دو «کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی» و «قضایی و حقوقی» مجلس انجام داده‌اند.

فقهای شورای نگهبان هیچ علاقه‌ای به این موضوع ندارند که در مقابل دو مرجع تقلید قرار بگیرند

پس از بحث و بررسی فراوان در جلسات این کمیسیون‌ها،پیش نویس این طرح آماده‌ی ارایه به صحن مجلس گردید.

نکته‌ی قابل توجه در طرح منع قانون شکنجه، شفاف کردن اصل سی و هشتم قانون است.

بر این اساس در «قانون منع شکنجه» می‌توان به ماده‌ی یک آن‌اشاره کرد. در این ماده بر اعمالی که ممنوع هستند تاکید شده‌است:

۱- هر گونه اذیت و آزار بدنی برای گرفتن اقرار یا غیر آن

۲- نگهداری زندانی به صورت انفرادی یانگهداری بیش ازیک نفر در سلول انفرادی

۳- چشم‌بند زدن به زندانی

۴- بازجویی با چشم بند

۵- بازجویی در شب

۶- رو به دیوار قرار دادن زندانی در حین بازجویی

۷- بی‌خوابی دادن به زندانی

۸- اعمال فشار روانی به زندانی

۹- فحاشی، به کار بردن کلمات رکیک، توهین یا تحقیر زندانی‌در حین بازجویی و غیر آن

۱۰- استفاده از داروهای روان‌گردان و کم یا زیاد کردن داروهای‌زندانیان مریض

۱۱- محروم کردن بیماران زندانی از دسترسی به خدمات‌درمانی مناسب

۱۲-استفاده از بلندگو، پخش نوارهایی که باعث فشار روانی‌بر زندانی می گردد

۱۳- نگهداری زندانی در محل‌هایی با سر و صدای آزاردهنده

۱۴- گرسنگی یا تشنگی دادن به زندانی

۱۵- عدم طبقه‌بندی زندانیان و نگهداری جوانان یا زندانیان‌عادی در کنار زندانیان خطرناک

۱۶-جلوگیری از هواخوری روزانه زندانی

۱۷- ممانعت از دسترسی به نشریات و کتب مجاز کشور

۱۸- ممانعت از ملاقات هفتگی یا تماس تلفنی زندانی باخانواده‌اش

۱۹- فشار روانی از طریق اعمال فشار به خانواده زندانی

۲۰- ممانعت از ارتباط ملاقات متهم با وکیل خود

۲۱- ممانعت از انجام فرایض دینی

۲۲- بازجویی کردن در غیر از موارد تفهیم اتهام شده

قانون گذار در این طرح همچنین به تعریف مفهوم زندانی‌پرداخته است. بر این اساس منظور از زندانی، کسانی است که‌با قرار بازداشت یا پس از صدور حکم محکومیت در زندان به‌سر می‌برند.

تبصره‌ی دو همین ماده اذعان می‌دارد حکم شلاق که پس ازمحاکمه و صدور رای دادگاه، قطعیت می‌یابد، قابل اجرا است و شکنجه محسوب نمی‌شود.

براساس قانون منع شکنجه در ماده‌ی دوم طرح تاکید شده‌است «در موارد ضروری برای کشف جرائمی نظیر قاچاق موادمخدر، جاسوسی، سرقت مسلحانه و اقدام مسلحانه علیه‌نظام، بازجویی متهم در شب برای حداکثر یک هفته ونگهداری به صورت انفرادی برای مدت ۱۵ روز مستند به‌دلایل توجیهی مجاز است.»

هرچند این ماده برخلاف بند دوم ماده‌ی یک است اما بایداذعان کرد در شرایطی خاص اعمال «نگهداری زندانی به‌صورت انفرادی یا نگهداری بیش از یک نفر در سلول انفرادی»نیاز است. بر این مبنا در ماده‌ی سوم عنوان شده که هر روزسلول انفرادی معادل ده روز زندان است. این مساله تاکنون هم کم و بیش اجرا می‌شده است.

هر گونه اذیت و آزار بدنی چشم‌بند زدن به زندانی بازجویی در شب بی‌خوابی دادن به زندانی گرسنگی یا تشنگی دادن به زندانی جلوگیری از هواخوری روزانه زندانی ممانعت از دسترسی به نشریات و کتب مجاز کشور ممانعت از ملاقات هفتگی یا تماس تلفنی زندانی باخانواده‌اش و..... شکنجه است

پنج سال پیش وقتی ماجرای بازجویی شهرداران مناطق تهران‌در روزنامه‌ی توس انتشار یافت شاید یکی از دلایلی که‌موضوع از سوی مسوولان قضایی جدی گرفته نشد، مشخص‌نبودن افراد بازجو بود. در ماده‌ی چهارم طرح قانون «منع شکنجه»ی مصوب مجلس به جلسات بازجویی اشاره شده:«محل جلسه بازجویی، ساعت شروع و خاتمه آن، نام‌بازجویان و امضای بازجویی به طور کامل درج شود.»

قانون گذار در ماده‌ی پنج تضمین لازم را برای اجرای مواد یادشده اعلام می‌دارد: «کلیه اقاریر و اطلاعاتی که مغایر این قانون‌گرفته شده باشند، از درجه اعتبار ساقط هستند.

از دیگر نکاتی که مثلا در رسوایی پرونده‌ی شهرداران تهران‌قابل تامل بود، محل بازداشت متهمان بود. بازداشتگاههای غیررسمی و فاقد امکانات یک بازداشتگاه آن روزها موجب‌شکایت بسیاری شده بود. در طرح فوق الذکر تاکید شده است «محل بازداشتگاه زندانی باید مشخص باشد و براساس ماده‌ی ۷ ضبط جلسات بازجویی باید به اطلاع فرد مورد بازجویی برسد.»

در ماده‌ی هشتم بر مسوولیت اجرای این قانون تاکید شده‌است: «در مورد متهمان قاضی پرونده و در مورد محکومان‌قاضی ناظر زندان مسوول اجرای این قانون هستند.»

آنچه در مواد بعدی قانون منع شکنجه بر آن از سوی قانون گذارپافشاری شد ضمانت حقوقی و اجرایی آن است:

بر اساس ماده ۹ برای نظارت بر نحوه رفتار با افراد بازداشت شده و زندانیان و اطمینان از رعایت این قانون شورایی تحت‌عنوان «شورای نظارت بر نحوه رفتار با زندانیان» مرکب از سه‌نماینده مجلس، سه نفر از قوه قضاییه و سه نفر از قوه مجریه تشکیل می‌شود افراد هیات مجازند هر وقت لازم بدانند اززندان‌ها و بازداشتگاه‌ها به صورت فردی و یا جمعی دیدارکنند.

بر اساس ماده ۱۰ اعضای شورا در رابطه با انجام وظایف‌تعریف شده قابل تعقیب و پیگیری قضایی نیستند.

در ماده ۱۱ آمده است: تخلف از مواد این قانون اعم از آمر ومامور و مسوولان مطلع از شکنجه و یا کسانی که با شورای‌نظارت همکاری نکنند و در مرتبه اول به یک تا سه سال زندان و ۵ سال انفصال از خدمات دولتی و در مرتبه دوم به چهار تا۶ سال زندان و انفصال دایم محکوم می‌شوند و این محکومیت غیرقابل عفو است.

بر اساس ماده ۱۲ رسیدگی به جرایم موضوع این قانون خارج‌از نوبت و به صورت علنی انجام می‌شود.

در ماده ۱۳ آمده است: اجرای این قانون بلافاصله پس ازتصویب لازم الاجرا است.

بنابر آنچه ذکر شد شور اول قانون «منع شکنجه» در ۱۹ آذرماه‌سال گذشته در مجلس شورای اسلامی به تصویب اکثریت نمایندگان رسید. آنگونه که در ابتدای این نوشتار تاکید شد دوکمیسیون پیگیر این طرح در اقدامی قابل توجه در نامه‌ای از دوتن از آیات عظام استفتا کردند:

در متن نامه‌ی «محسن میردامادی» و «سید ناصر قوامی» به‌عنوان روسای کمیسیون‌های امنیت ملی و قضایی مجلس که‌یک ماه پیش از عید برای آنان نوشته شده آمده است:

«با عرض سلام و تحیت و آرزوی سلامتی و توفیق روزافزون‌برای حضرتعالی، همان طور که استحضار دارید اصل ۳۸قانون اساسی اعمال هرگونه شکنجه در نظام جمهوری‌اسلامی را ممنوع اعلام کرده است و در صورت اعمال هرگونه‌شکنجه عامل یا عاملین آن باید مجازات گردند.

با توجه به اهمیت مساله و نگرانی‌های موجود در این زمینه وبه منظور اطمینان از اجرای کامل این اصل قانون اساسی،نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرحی تحت عنوان «طرح‌اجرای اصل ۳۸ قانون اساسی به مجلس ارایه نمودند که شورالوّل آن تصویب گردیده و بررسی شور دوم آن در دستور کارکمیسیون‌های قضایی و امنیت ملی قرار دارد ...»

روسای دو کمیسیون ضمن ارسال نسخه‌ای از متن پیشنهادی‌طرح مذکور در انتها درخواست کرده بودند:

«... موجب امتنان و تشکر خواهد بود در صورتی که حضرتعالی آن را ملاحظه‌فرمایید و چنانچه مواردی از موارد ذکر شده در این قانون‌مغایرتی با موازین اسلام دارد راهنمایی و ارایه طریق نمایید تانسبت به رفع اشکالات اقدام گردد.»

در پی این درخواست آیت ا... یوسف صانعی و آیت ا...موسوی اردبیلی در دو نامه‌ی جداگانه پاسخ این استفتا رادادند. در پاسخ این حضرات روح کلی تصویب چنین طرحی‌به عهده مجلس سپرده شده است. در این استفتا تنها آیت ا...موسوی اردبیلی در مورد یک بند به ارایه تذکری پرداخته‌است. ایشان پیشنهاد داده تا در مورد ماده‌ی یازده که‌محکومیت متخلفین از قانون منع شکنجه را «غیرقابل عفو»دانسته، قید «غیر قابل عفو» برداشته شود.

آنچه پس از نظر دو تن از آیات عظام می‌توان جمع‌بندی کردنظر مساعد ایشان بر طرح فوق الذکر است. تردیدی نیست که‌شور دوم این قانون طی روزهای آینده در مجلس تصویب‌می‌شود. نکته‌ی جالب توجه نظر شورای نگهبان خواهد بود.به هر تقدیر فقهای شورای نگهبان هیچ علاقه‌ای به این موضوع‌ندارند که در مقابل دو مرجع تقلید قرار بگیرند.

بر همگان روشن است که تعریف مصادیق شکنجه و قانون‌منع آن از مجموع اصولی از قانون اساسی است که هنوز کمترین بازخوانش آن دست زده شده است.

کتابهای هفته

وقتی هفته‌ی گذشته برای گرفتن کتاب‌های هفته به یکی دو تاژ دوستان کتابفروش سر زدم کلی خورد تو ذوقم. راستش تقصیر این مسوول صفحه‌ی ادبیات است که اینقدر توستونش گفت: «شعر و داستان نمی‌فروشد سیاسی خوب‌می‌فروشد!!»در هفته‌ای که گذشت بعد از مدت‌ها خوب‌فروختن بالاخره فروش کتاب‌های سیاسی افت داشت:

یوسف زاهد مدیر کتابفروشی فردوسی واقع در وارداست از آنان سوال گردیده است.

مدیر **کتابفروشی طاعتی** که در زیر کتابخانه‌ی ملی واقع درابتدای خیابان اعلم الهدی قرار دارد پرفروش‌های این هفته رامربوط به دو کتاب اخیر چاپ انتشارات **«به آفرین»** عنوان می‌کند:

ملکه پهلوی

(خاطرات تاج الملوک)

همسر اول رضا شاه و مادر محمدرضا شاه

مطابق با متن اصلی

مصاحبه‌کنندگان: دکتر ملیحه خسروداد

تورج انصاری

مهندس محمدعلی باتمانقلیچ

نیچه و مکتب پست مدرن

اثر دیو رابینسن

ترجمه‌ی ابوتراب سهراب،

فروزان نیکوکار

انتشارات فرزان

۷۱ صفحه

قیمت: ۵۰۰ تومان